



کدام خوبی به درد می خورد و "عبادت" است؟

سخنرانی حاج آقا پناهیان - موبک سیده زینب(س) - اربعین ۹۳ - بخش اول

مفهوم عبادت و عبودیت برای همه ما ، مفهوم آشنایی است. اما طبیعتاً یک فرقی بین این دو مفهوم هست . عبودیت یعنی عبد بودن. ما عبد خدا هستیم؛ چه آدم خوبی باشیم و چه آدم خوبی نباشیم. و عموم فعالیت هایی که در اطاعت پروردگار انجام می دهیم ، می تواند عبودیت معنا بشود، حتی میتواند عبادت معنا بشود.

عبادت یک معنای عام و یک معنای خاص دارد. ما همه عبد هستیم اما عبد حقیقی آن است که اطاعت بکند و احساس بندگی داشته باشد. کسی که احساس بندگی دارد و اطاعت می کنه همه کارهای او عبادت است. ولی عبادت به معنای خاص کلمه یعنی انجام مناسک عبادی مثل نماز و حج. وقتی شما در نماز می ایستید و به طور مستقیم با پروردگار عالم صحبت می کنید یا کارهایی در این زمینه انجام می دهید مثل وضو گرفتن که وضو گرفتن نطافت نیست؛ جزء عبادت به معنای خاص کلمه هست که من این را از باب اطاعت عمومی انجام نمی دهم! از باب عبادت به معنای خاص کلمه انجام می دهم.

پس ما یک عبد به معنای عمومی پیدا کردیم و یک عبد به معنای خاص. عبد به معنای عمومی یعنی همه ی بنده ها؛ بنده خدا هستند آدم های بد هم بنده خدا هستند. حالا اگر نافرمانی بکنند؛ بد بندگی کرده اند. از آن طرف عبادت هم یک معنای عمومی دارد و یک معنای اختصاصی . معنای عمومی عبادت همه اطاعت های ما را شامل می شود و معنای اختصاصی عبادت فقط به مناسک عبادی ما گفته می شود. مناسک عبادی دو سه تا بیشتر نیست: نماز، روزه، حج یا اموری که شبیه به این هاست. در این مناسک خاص عبادی شما ارتباط خودتان را مستقیماً با خداوند متعال برقرار می کنید اما در مواقع دیگر این ارتباط؛ غیرمستقیم است. میرویی به بندگان خدا خدمت می کنی، شغلت را داری، کارهایت را داری انجام میدهی، حتی غذا میخوری، نطافت را رعایت می کنی، برای چی؟! برای اینکه خدا را اطاعت کرده باشی، از این طریق به خدا تقرب پیدا کنی. وقتی برای نماز می ایستی دیگر یک عبادت مستقیم است.

اگر عبادت به معنای ارتباط مستقیم، به معنای فعالیت خاصی که انسان در محضر پروردگار عالم انجام میدهد، نباشد؛ در این صورت، عبادت به معنای کلی کلمه؛ بازی است . شما اگر نماز - که یک ارتباط مستقیم با پروردگار عالم است - نخوانید و بعد شروع کنید به خدمت به خلق کردن، اخلاق خوب رعایت کردن و ... ، این یک دکان و مغازه است! اگر عبادت به معنای مستقیم کلمه هم داشته باشیم، نماز هم بخوانیم اما بقیه امورات ما درست نباشد باز هم کار ما ایراد دارد، یعنی به همان نمازمان هم بی احترامی کرده ایم. اثر همان فعالیت های عبادی مستقیم ما هم کم می شود. ولی بودند کسانی که اهل گناه و معصیت بودند اما نماز را رها نکرده بودند. عده ای آمدند پیش پیغمبر و گفتند آقا! یا رسول الله! آن جوانی که اهل فلان گناه هست، می آید و پشت سر شما نماز هم میخواند. حضرت فرمودند: نماز او را درست می کند. اما معمولاً آدم هایی که کارهای خوب دیگر را انجام می دهند ولی نماز را نمی خوانند؛ این ها موجودات خطرناکی هستند. ببینید تفاوتش کجاست! اگر ما الان برگردیم در شهر و در جامعه امروز جهانی با این موضوع مواجه هستیم: آدم های خوبی که اهل عبادت نیستند و(عده ای) میخواهند این ها رو الگو کنند. این ها خطرناک هستند. بقیه کارهایشان را سعی می کنند درست انجام بدهند اما فقط این سر به سجده نرسد! اگر بخواهند سر به سجده



بگذارند می میرند! حاضر هستند همه خوبی هایی که شما می گوید را رعایت کنند اما فقط نماز را نخوانند! با خود نماز هم مشکلی ندارند بلکه با بندگی خدا به معنای خاص کلمه مشکل دارند.

دو تا بحث داریم تا برسیم به راه زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام).

الان در جامعه جهانی و حتی در فرهنگ ما هم خیلی وقت ها همین است. میگوید من حاضرم آدم خوبی باشم ولی حاضر نیستم بنده خدا باشم. به صورت خاص کلمه، آن بندگی ای که خدا می خواهد. مثل پدری که مثلا پسرش را بیدار میکند برای نماز، پسرش بیدار نشود و غر بزند، بعد پدر و مادرش اصرار کنند که بلند شو برای نماز، می گوید: کنار بروید، خودم بیدار میشوم، والدینش می گویند: اگر خودت می خواهی بلند شوی حالا ما گفتیم بلند شو، می گوید: نمی خواهم حرف شما را گوش کنم! ببینید! این غری که می زند و می گوید که نمیخواهم حرف تو را گوش کنم و اگر بنا باشد بلند بشوم، خودم بلند می شوم؛ آدم های خوبی که بندگی خدا را نمی کنند همین طوری هستند. می گویند: خدا یا من نمی خواهم حرف تو را گوش کنم. اگر بناست خوب باشم؛ خوب می باشم، می روم آدم خوبی میشوم تا مبادا به تور دستور بخورم! این افراد به شکل عجیبی آدم های ضد خدایی از آب در می آیند.

دوستان یادشان باشد و ببینید اخلاق خدا چه طوری است؛ اخلاق شما هم باید همانطور باشد، نگاه خدا چه طوری است؛ نگاه شما هم باید همانطور باشد. هر کسی را با هر خوبی ای دیدی اما نماز نمی خواند، خوبی او ارزشی ندارد. او اصلا آدم نیست. این نه شوخی است نه تعارف و نه تندروی. نگو که آقا شما می خواستی این شخص نماز بخواند تا آدم خوبی بشود، حالا این آدم خوبی است فقط همین یک نماز را نمی خواند، نه! خوبی او به درد هیچ کس نمی خورد: این قبلت قبل ما سواها و این ردت رد ما سواها: اگر نماز قبول بشود، بقیه چیزها هم قبول می شوند و اگر قبول نشود چیز دیگری قبول نمی شود. حتی در روایت هست که به همان میزان و درصد که از نماز پذیرفته می شود؛ همان مقدار درصد از بقیه ی کارهایت هم قبول می شود. هر چقدر نمازت قبول می شود و ارزش دارد، بقیه اعمالت هم همان مقدار ارزش دارد. اگر نمازت خیلی عالی باشد بقیه کارهایت را خیلی عالی می پذیرند و اگر نمازت خراب باشد همه کارهایت را خراب می پذیرند! ولی الان اون چیزی که میخواهند مقابل دین قرار بدهند این (تفکر) است که عزیز من! خوب باش اما عبد خدا نباش! تمام سریال ها و فیلم ها و فعالیت های فرهنگی این طوری هستند؛ آدم های خوبی را نشان می دهند که همین طوری و به خاطر وجدانشان و به خاطر خوب بودن خوبی، خوب هستند. آن قدر با این حرف های خوب شما را - که به دنبال خوبی ها هستید - مباران می کنند تا شما اسیر این حرف های خوب بشوید تا سراغ خدا به معنای عبادت نروید.

شما اگر سرتان رفت نمازت را داشته باش. بگو اگر نماز من خوب نباشد بقیه اش دکان بازی است، مغازه است، دکه است، دارم خودم را بازی می دهم، نباید خودم را بازی بدهم. حالا اگر یک شخصی هست که آدم خوبی است اما نماز را نمی داد چیست، نمی گوئیم آدم بد و خطرناکی است. نه.

دوستان جواب این سوال را به خاطر داشته باشید که گاهی وسط بحث (پرسیده می شود که آقا) یک شخصی در فلان گوشه دنیا هست که آدم خوبی است اما خبر از خدا و پیغمبر ندارد که نماز بخواند، منظور ما این شخص نیست و نمی گویی او آدم بدی است و چه بسا که به بهشت برود چون خدا حجت را با او تمام نکرده و از او انتظاری ندارد اما آن شخصی که در جامعه اسلامی زندگی می کند، حرف (دین) به گوشش خورده، حاضر است آدم خوبی باشد ولی لامصب حاضر نیست نماز بخواند؛ این لا مصب را برای چه



می گویم؟ برای اینکه بدانید چه آدم رذلی است، چقدر مکار و حيله گر است، چقدر نفاق ذاتی دارد که بین خوبی ها تبعیض قائل می شود. اگر به همین آدم خوب بگویی توی گوش یک بچه بز، می گوید: نه دلت می آید؟! بچه لطیف است. اما اگر به او بگویی بیا نماز بخوان می گوید نمی خوانم! خوب خدای این بچه که از این بچه لطیف تر است! ببینید دارد بازی در می آورد، حقه و کلک سوار می کند، دکان باز کرده است. اگر بدون عبادت به معنای خاص کلمه؛ یعنی بری پیش رییس کارت بزنی که من عبد تو هستم؛ بقیه کارهای خوب دیگر ارزش ندارد. خوب بودن، خوب است، نماز هم خوب است. خوب بودن بدون نماز که عبادت مستقیم است اصلا ارزش ندارد.

حالا موضع شما نسبت به کسی که خوب است ولی اهل نماز نیست؛ کلک و حقه بازی است و این ارزش ندارد. اگر جامعه جهانی از این مرحله عبور کند آقای ما می آید. مردم فکر می کنند که بدون نماز می توانند خوب باشند، بدون نماز می توانند سعادت مند بشوند! دین به معنای خاص کلمه ما را دعوت می کند به این معنا. قدم بعدی این بحث این است: علاقه شما به نماز باید بیشتر از علاقه تون به همه کارهای خوب باشد. توضیح هم نمی خواهد چون نماز شرط قبولی اعمال است. وقتی موقع نماز می شود بگویند عشق من آمد، حس من آمد، جگر من آمد چون همه کارهای خوب را برای رضای خدا انجام می دهی و اگر اصل رضایت خدا با نماز است پس نماز عشق ماست. اگر عشق ما نماز نباشد پس برای چی می خواهیم کارهای خوب انجام بدهیم؟ معلوم می شود کارهای خوبمان را برای خدا نمی کنیم، برای دل خودمان نمی کنیم، برای راضی کردن دل دیگران می کنیم!

خدایا به حق زائران کربلای اباعبدالله الحسین و به حق غبار قدم های ایشان که متبرک است، عشق ما را نماز قرار بده وگرنه بقیه خوب بودن ها ارزش ندارد. ارزش این بالاتر است پس محکم تر بچسبیم به این عبادت. آقایان! "عبادت" را جدی بگیرید. "عبادت" خیلی ارزش دارد.

من چند تا عبادت به عنوان مصادیق شمردم؟ سه تا. یکی نماز یکی روزه یکی حج. یک سلسله عبادات هم کنار این عبادت ها هستند که ملحقات اند مثل وضو، دائم الوضو بودن. وضو می گیری و می خوابی، از آن وقتی که می خوابی تا صبح، برایت عبادت می نویسند. وضو یک عبادت است. حالا یک عبادت دیگر هم به شما معرفی میکنم: پیاده روی یکی از انواع عبادت هاست. خبر داشتید؟ در روایت می فرماید: ما عُبدُ الله بشيء أشدَّ من المشى و لا افضل: هیچ عبادتی افضل و شدید تر از پیاده روی نیست، پیاده روی برای زیارت خانه خدا یا برای زیارت ولی خدا. (زیارت) ابا عبدالله الحسین که دیگر در اوج است. این پیاده روی یک عبادت است. به این دل شما که پیاده روی را دوست دارد تبریک می گویم. اگر دلی بود و پیاده روی را دوست نداشت - خدا عمامه به سرها را حفظ کند، ما عمامه به سرها بیشتر از شما در معرض خطریم. متاسفاته شنیدم آقای عمامه به سری می گفت که حالا چرا پیاده بروند؟! اگر می خواهند پیاده بروند یک دفعه ای بقیه سفرهایشان را هم پیاده بروند و دیگر از ماشین و هواپیما استفاده نکنند، چرا پیاده میروند؟ خوب با ماشین بروند! ... می دانید ما چند تا روایت در مورد پیاده روی برای زیارت داریم؟ گاهی انسان کور می شود و این ها را نمی بیند، مطمئن باشید که اودیده و حرصش درآمده. خود این عملیات (پیاده روی) یعنی بندگی. قسمت اعظم حج؛ پیاده روی است. اصلا حج یعنی حرکت. نماز یعنی حرکت در جا و حج یعنی حرکت در طول مسیر. نماز؛ ذکر و حرکت در جاست و حج؛ ذکر و حرکت در مسیر است. بعد برای خود حج مقدمه درست می کنند به نام پیاده روی حج. روایاتی که در آن ها پیاده روی به عنوان "عبادت" اعلام شده خیلی زیاد هست: امام صادق علیه السلام باز می فرماید: ما عُبدُ الله بشيء افضل من المشى. هیچ عبادتی به اندازه پیاده روی نیست.



نفس این پیاده روی یک "عبادت" است نه فقط یک کار خوب. یک وقت یک کاری خوب است، عیبی ندارد. ما هر کار خوبی که لازم باشد برای امام حسین(علیه السلام) انجام میدهیم ولی خوبتر از کار خوب، خود عبادت است. در طول این راه با وضو حرکت کنید، ذکر بگویید، حس عبادت بگیرید. خدا انشاءالله در اثر این سفر، نور و عشق عبادت را در شما زیادتیر کند. توی این راه آدم حس می کند نمازهایش را کمی باحال تر میخواند. سر را که به سجده میگذارد انگار زیاد عجله ندارد سرش را از سجده بردارد. اینها کارهای امام حسین است دیگر. دست ما را گرفته تا صورت ما را با سجده آشنا کند. الهی فدایش بشم که وقتی صورت بر خاک گذاشت در چه رنجی بود که این هدیه نورانی را به ما عنایت کرد.

یکی دیگر از این عبادت ها را بگویم؟ فرمود: ذکرُ علی عبادۀ... "علی جانم علی جانم" بگو و برو. این خودش یک عبادتی است. وقتی ذکر علی بن ابی طالب عبادت است، ذکر ابا عبدالله الحسین هم خودش یک عبادت است. اساسا تعظیم شعاعر عبادت است. یکی از اجزاء عبادت؛ لباس احرام پوشیدن است. این را می شود با یک سلسله مراتب توضیحاتی به همین ملحق کرد که یک لباس سیاهی که ایام عزای ابا عبدالله الحسین می پوشی ، آن لباس پوشیدن می شود عبادت. این ها اجزای عبادتند.

خدایا این پیاده روی ما را به عنوان عبادت از ما بپذیر. اتفاقا به شما بگویم که این پیاده روی یک عبادتی است که قرارش را (برای) روز قیامت بگذارد. به قول آقای بهجت اگر نماز شب بخوانید معلوم نیست برسد یا نه چون عجب می آورد -نمی گویم نخواه، مرد باش ، بخون به شرطی که عجب و ریا نیآورد- ولی در هر عبادتی یک قیافه گرفتنی هست، بعضی ها حج میروند که بعدش بگویند فلانی به حج رفته. حج راحت عجب می آورد. اما نمیدانم کربلا چه خاصیتی دارد که از نجف تا کربلا پیاده می روی اما قیافه نمیگیری ، عجب پیدا نمی کنی، وقتی به کربلا می رسی آن قدر شرمنده بچه های حسین هستی که اصلا رویت نمی شود سرت را بلند کنی. لذا این عبادت عجب ندارد. شما عبادتی را نمی توانید پیدا کنید که عجب نداشته باشد. همین که نمازت را مرتب می خوانی بعدش می گویی : ولی مرتب خواندم . همین . آن را خراب می کنی ولی هر چه پاهایت برای امام حسین تاول می زند به یاد تاول پای بچه های حسین می افتی...

کارهای خوب تو بدون عبادت پذیرفته نیست، اما کارهای خوب تو و عبادت تو بدون محبت ابا عبدالله الحسین پذیرفته نیست! بدون محبت امیرالمومنین پذیرفته نیست! اگر در فیلمی، چیزی، آدم خوبی را نشان دادند که نماز نمیخواند بگو این دکان است. این آدم؛ نمازش اصل زندگی اش نیست. این مغازه و فریب و نیرنگ است و اصلا خطرناک است. اگه در فیلم ها کسی را نشان دادند که آدم خوبی بود، نماز هم می خواند اما خودش را برای حسین فاطمه نمی زد، بگو این خطرناکتر از قبلی است. اگر نشان بدهند آدم خوبی هست اما می گوید نماز را دیگر ولش کن، این همان قد بازی است که می گوید من خودم خوب می باشم ولی خدا حرف تو را گوش نمیدهم ، خدا می گوید من می خواهم تو حرف های من را گوش بدهی! اما اگر گفت نماز هم می خوانم اما دور و بر ولایت نمی برم، اطاعت از ولایت نمی کنم، کرنش و تواضع به ولایت ندارم، پایش بیفتد در اربعین پیاده به کربلا نمیروم، حالا به امام حسین احترام میگذارم اما این قدر شلوغش نمی کنم، به این فرد بگو: ببین! داری دروغ می گویی. تو شدی عین ابلیس، خطرناکتر از آن فرد خوب بی نماز شدی! نماز خوان بی محبت اهل بیت خطرناکتر است و ما باید حالمان از این تیب آدم ها به هم بخورد. (از آن ها) فاصله بگیریم و خودمان را بچسبانیم به محبین اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در عوض از آن طرف اگر کسی محب اهل بیت بود - این حرف را از من نشنیده نگیرید- و از او عیبی دیدید ، بگذرید. پس فردا امام حسین از او می گذرد آن موقع شرمنده می شوید. اگر خطایی داشت به خاطر اینکه گریه کن و سینه زن امام حسین است از او بگذر . بگو امام حسین؛ مرا اذیت کرده، می خواستم از او نگذرم ولی چون تو می خواهی روز قیامت بگذری و من شرمنده می شوم، من هم همین



الان از او گذشتم. به خدا امام حسین از تو تشکر می کند (و می گوید: از تو ممنونم، بالاخره این هم سینه زن من بود، گریه کن من بود، تو را اذیت کرده بود، از تو تشکر می کنم که او را بخشیدی، حالا من روز قیامت راحت تر او را شفاعت می کنم. فرمود: در روز قیامت اول از محبت علی بن ابی طالب سوال می کنند، اگر درست نباشد اصلاً بقیه اش را سوال نمی کنند. می فرستند جهنم. در نجف اشرف توی حرم مطهر عرض کردم که اگر می خواهید امام حسین خیلی شما را تحویل بگیرد گاهی به امام حسین بگویید: آقاجان، یا ابا عبدالله، من از دوستان و عاشقان باباتون علی بن ابی طالبم...

خدایا عبادات ما را به حق محبت علی بن ابیطالب از ما بپذیر و ما را از بهترین محبین علی بن ابیطالب قرار بده.